

مبانی ارزیابی اثربخشی کیفرهای اجتماع محور و تحلیل یافته‌های آن با تأکید بر مطالعه موردی دوره مراقبت در ایالات متحد امریکا و انگلستان^۱

حسن قاسمی مقدم^۲

چکیده

امروزه نظام‌های مختلف حقوقی، جهت اصلاح و بازنگری در نحوه اجرا و اهداف کیفرهای اجتماع محور به ارزیابی میزان اثربخشی آنها می‌پردازند. این مقاله می‌کوشد تا فرایند و نتایج ارزیابی‌های انجام شده در مورد میزان اثربخشی دوره مراقبت در دو نظام حقوقی ایالات متحد و انگلستان را که پیشینه قابل توجهی در اجرای این نهاد دارند، منعکس کند. به‌منظور ارزیابی دوره مراقبت، از شاخص‌های مختلفی مانند میزان تکرار جرم، هزینه - فایده و جبران خسارت ناشی از جرم استفاده شده است. نتایج مطالعات ارزیابی‌کننده، نشان‌دهنده اثربخشی نسبی دوره مراقبت جهت اصلاح و بازپروری مجرمان است. نهاد مذکور هزینه‌های اقتصادی کمتری را متوجه دولت می‌نماید و فرصت‌های بیش‌تری را جهت جبران خسارات ناشی از جرم در اختیار مجرمان قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

دوره مراقبت، ارزیابی، اثربخشی، تکرار جرم، هزینه - فایده، جبران خسارات ناشی از جرم

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده، باعنوان [ارزیابی میزان اثربخشی مجازات‌های اجتماع محور در ایران، انگلستان و امریکا] می‌باشد، که با راهنمایی جناب آقای دکتر محمد فرجیها در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه امام صادق (ع) تدوین یافته است.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

مطالعه و بررسی پیشرفت‌ها و دست‌آوردهای نظام‌های مختلف حقوقی، در تعیین نوع ضمانت اجراهای کیفری می‌تواند راه‌گشا باشد؛ مطالعه این تجربیات بیانگر آن است که از دهه ۱۹۶۰ میلادی «تحقیقات ارزیابی‌کننده»^۱ در مورد میزان «اثربخشی»^۲ هر یک از سیاست‌ها و برنامه‌های کنترل جرم، نقش مؤثری در تدویم و یا بازنگری و اصلاح این سیاست‌ها داشته است.

ارزیابی سیاست‌های کیفری همواره با استفاده از «شاخص‌های»^۳ علمی صورت گرفته است. شاخص‌های ارزیابی، با توجه به اهداف سیاست‌های کیفری طراحی می‌شوند. برای نمونه اگر یکی از اهداف سیاست‌های کیفری، اصلاح و بازپروری مجرمان باشد، می‌توان شاخص یا شاخص‌هایی را جهت ارزیابی میزان اصلاح و بازپروری مجرمان طراحی کرد. یکی از شاخص‌های مهم در این مورد، میزان «تکرار جرم»^۴ است. هرگاه سوژه‌های سیاست کیفری تکرار جرم کم‌تری نسبت به سایر سیاست‌های کیفری داشته باشند، می‌توان گفت سیاست کیفری اتخاذ شده در زمینه اصلاح و بازپروری مجرمان، اثربخش‌تر بوده است. با وجود این، به کارگیری معیار تکرار جرم، به عنوان شاخص ارزیابی همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است.

امروزه علوم جنائی شاهد پیدایش کیفرشناسی نوینی است که بر محدود کردن استفاده از زندان برای مجرمان خطرناک و به کارگیری ظرفیت‌های اجتماع در اصلاح مجرمان غیر خطرناک و اصلاح‌پذیر تأکید می‌نماید. این کیفرشناسی مبتنی بر دیدگاه «مدیریت خطر»^۵ است. در دیدگاه مدیریت خطر، حکم محکومیت نه بر مبنای جرم یا شخصیت بزه‌کار بلکه براساس «وجود خطر» صادر می‌شود؛ که امکان گسترش کنترل دوگانه را فراهم می‌کند. نخست، نظارت مشدد در

1. evaluative Studies
2. effectiveness
3. indicators
4. recidivism
5. risk management

مورد بزه‌کاران بسیار خطرناک، و دوم، کنترلی با شدت و هزینه کمتر— برای نمونه از طریق «دوره مراقبت»^۱— در مورد بزه‌کاران کمتر خطرناک. بدین ترتیب، نظریه «اصلاح مستمر» جای خود را به «کنترل مستمر» می‌دهد (۳۶۶: ۱۱). بدین‌سان نسل جدیدی از کیفرها با عنوان «کیفرهای اجتماع‌محور»^۲ به وجود آمده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند. ویژگی اصلی این کیفرها این است که مجرم را از بستر اجتماع جدا نمی‌نمایند، بلکه اصلاح و بازپروری او را با اعمال سازوکارهای کنترلی و نظارتی لازم، در محیط اجتماع دنبال می‌کند. پیدایش کیفرهای اجتماع‌محور، در نتیجه انجام مطالعات ارزیابی‌کننده در مورد مجازات زندان بوده است. از این‌رو، ضمانت اجرای کیفری مذکور نیز خود، همواره مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

هم‌زمان با این تحولات، موضوع حبس‌زدایی و استفاده از کیفرهای اجتماع‌محور در دهه اخیر به عنوان یکی از محورهای توسعه قضائی در ایران نیز مطرح و لایحه‌ای با عنوان «مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» توسط قوه قضائیه در سال ۱۳۸۳ تهیه شد که در سال ۱۳۸۴ به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید. بدیهی است که بررسی و مطالعه ارزیابی‌های به عمل آمده در زمینه میزان اثربخشی این مجازات‌ها در کشورهای مختلف، نقش مهمی در تدوین و اجرای این مجازات‌ها در ایران خواهد داشت. زیرا، با مطالعه این ارزیابی‌ها می‌توان به نتایجی کلیدی در این خصوص دست یافت. نخست می‌توان چگونگی ارزیابی علمی کیفرهای اجتماع‌محور در ایران را بررسی کرد، زیرا ارزیابی علمی این کیفرها تنها از طریق به کارگیری شاخص‌های دقیق و کاربردی که در این تحقیق به آنها اشاره شده است میسر خواهد بود. همچنین، می‌توان بر لزوم توجه به متغیرهای مختلف جهت افزایش اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور در ایران تأکید کرد. زیرا، همان‌گونه که در این مقاله آمده است، دوره مراقبت به عنوان یکی از این کیفرها، دارای اثربخشی نسبی بر روی برخی مجرمان بوده

1. probation

2. community- based punishments

است. بدین ترتیب، این مسأله چه در مرحله قانون‌گذاری و چه در امر قضاوت و دادرسی باید مورد توجه متولیان سیاست جنائی واقع شود. از آنجا که در این تحقیق، مجال کافی برای ارزیابی همهٔ انواع کیفی‌های اجتماع‌محور وجود ندارد و با توجه به اینکه دورهٔ مراقبت به عنوان سرمنشأ پیدایش سایر کیفی‌های اجتماع‌محور، همچنان یکی از مهم‌ترین انواع آن به شمار می‌رود، در این تحقیق به ارزیابی میزان اثر بخشی تعلیق مراقبتی پرداخته شده است، از نظر قلمرو مکانی نیز به لحاظ جایگاه برجستهٔ ایالات متحد و انگلستان در ابداع، اجرا و گسترش دورهٔ مراقبت، این تحقیق به دو کشور مذکور محدود گردیده است.

در این مقاله، مبانی نظری از یافته‌ها جدا شده و در دو گفتار مجزا مورد بررسی قرار گرفته‌اند، زیرا در کنار تحولات مختلف دورهٔ مراقبت که تغییراتی را در اهداف آن به همراه داشته است، تازگی و بدیع بودن مفهوم ارزیابی و شاخص‌های آن در ادبیات علوم جنائی ایران و نیز تبیین چالش‌های فراروی شاخص‌های ارزیابی، مستلزم بررسی جداگانه مبانی نظری بوده است (گفتار نخست). در ادامه، گفتار دوم به ارائهٔ یافته‌های مطالعات ارزیابی‌کننده در ایالات متحد و انگلستان اختصاص یافته است و در نهایت، از مجموع مطالب نتیجه‌گیری شده است.

گفتار نخست. مبانی نظری

ارزیابی میزان اثربخشی دورهٔ مراقبت، مبتنی بر مبانی و مفاهیمی است که به دلیل تحولات پی‌درپی در اهداف آن مانند دورهٔ مراقبت، گاه به دلیل تازگی و بدیع بودن در ادبیات علوم جنائی ایران (مانند مفهوم ارزیابی) و گاه به دلیل وجود چالش‌های علمی در مورد آنها (مانند معیار اثربخشی)، نیازمند تبیین دقیق می‌باشند. در این گفتار سعی بر آن است که تحولات دورهٔ مراقبت، ارزیابی و معیار اثربخشی آنها بررسی شود.

الف. دورهٔ مراقبت؛ دیدگاه‌ها و انتخاب‌ها

امروزه دورهٔ مراقبت به عنوان گونه‌ای از «کیفرهای اجتماع‌محور» بازساخته می‌شود. در واقع دورهٔ مراقبت را می‌توان از تعلیق اجرای کیفر زندان — که در مادهٔ ۲۵ ق.م.ا. بدان اشاره شده است — متمایز دانست. زیرا دورهٔ مراقبت از کیفر زندان، منفک محسوب می‌شود (۱۳۳: ۲). اما در تعلیق کیفر ابتدا مجرم به مجازات زندان، محکوم می‌گردد و سپس اجرای آن با لحاظ شرایطی و وضع دستورهایی معلق می‌شود.

حال می‌توان پرسید که کیفرهای اجتماع‌محور اصولاً چه نوع کیفرهایی هستند؟ پیش از پیدایش کیفرهای اجتماع‌محور ضمانت‌اجراهایی با عنوان «جایگزین‌های زندان»^۱ مطرح شدند؛ این کیفرها، ضمانت‌اجراهایی بودند که مانع از ورود محکومان به زندان می‌شدند. پس از چندی روی‌کرد جدیدی شکل گرفت که بر نقش اجتماع در اصلاح مجرمان تأکید می‌نمود. بدین ترتیب، اصطلاح «جایگزین‌های زندان» از مفهوم «کیفرهای اجتماع‌محور» متمایز گردید. زیرا امروزه «جایگزین‌های زندان» شامل ضمانت‌اجراهایی از قبیل جزای نقدی می‌گردد که تنها خصیصه آنها، گسترده نمودن انتخاب قضات جهت امتناع از گزینش زندان به عنوان یک کیفر ناکارآمد است، در حالی که «کیفرهای اجتماع‌محور» شامل ضمانت‌اجراهایی مانند دورهٔ مراقبت است که علاوه بر دارا بودن ویژگی‌های «جایگزین‌های زندان»، در صدد اعمال یک کیفر کامل و مستقل در عرصهٔ اجتماع هستند.

در تعریف کیفرهای اجتماع‌محور، بر ویژگی‌هایی مانند جدانشدن محکوم از بستر اجتماع، مشارکت اجتماع در اجرا، تناسب کیفر با جرم و مجرم، نظارت و مراقبت جهت پیش‌گیری از تکرار جرم (۲۱: ۸) و ترمیمی بودن فرایند اجرای آنها (۱۱۶: ۱۱) تأکید شده است. اما آنچه در مورد اهداف کیفرهای اجتماع‌محور — و دورهٔ مراقبت به عنوان یکی از انواع آن — می‌توان گفت این است که، در اجرای

این نوع مجازات‌ها همواره یک هدف خاص وجود نداشته است، بلکه در طول زمان و در مکان‌های مختلف، برداشت‌ها و نگرش‌های متفاوتی نسبت به مفهوم و اهداف آنها مطرح بوده است.

در خصوص مفهوم و هدف دورهٔ مراقبت نیز می‌توان تحولات گوناگونی را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف مطرح نمود. اهمیت بررسی این تحولات و رابطهٔ آن با ارزیابی نهاد مذکور در این است که ارزیابی دورهٔ مراقبت همواره باید با توجه به هدف تأسیس و اجرای آن انجام شود. برای نمونه اگر هدف از تأسیس و اجرای دورهٔ مراقبت، اصلاح و بازپروری مجرمان باشد، ارزیابی آن نهاد از دیدگاه اصلاح و بازپروری به نتایج ناامیدکننده‌ای منجر خواهد شد. از سوی دیگر، بررسی تحولات مذکور به خوبی نشان می‌دهد که چگونه هدف یا اهداف این ضمانت اجرای کیفری، تحت تأثیر مطالعات ارزیابی‌کننده تغییر یافته اند.

۱. دیدگاه‌ها در ایالات متحد آمریکا؛ از اصلاح و درمان تا مدیریت خطر

ایالات متحد آمریکا، موطن اصلی دورهٔ مراقبت است. گرچه یکی از اهداف سیاست‌گذاران کیفری آمریکا در مورد این نهاد، کاهش تورم جمعیت کیفری زندان‌هاست، ولی پیدایش، اجرا و توسعهٔ آن همواره مبتنی بر دیدگاه‌های علمی مانند اصلاح بزه‌کاران بوده است. نخستین هدفی که باعث ابداع دورهٔ مراقبت شده هدف اصلاحی است، به طوری که هدف جان آگوستوس، کفاش اهل بوستون، از ابداع دورهٔ مراقبت، اصلاح مجرمان بود (۱۶۲ : ۱). از این منظر، دورهٔ مراقبت به معنای اعطای فرصت حضور در جامعه به بزه‌کار است تا از این طریق، تمایل به اطاعت از قانون را نشان دهد. در واقع، نظارت‌کننده یا نظارت‌کنندگان درصدد نصیحت کردن، کمک نمودن و ایجاد ارتباط دوستانه با مجرم برمی‌آیند تا از این طریق با تحریک احساسات اخلاقی و مذهبی، وی را به یک زندگی قانون‌مدار رهنمون سازند (۳۱ : ۲۴). در دههٔ ۱۹۴۰ میلادی، با به‌کارگیری علم روان‌شناسی، رویکرد اصلاحی به رویکرد اصلاحی - درمانی تغییر یافت و

افراد متخصصی در زمینه درمان بهره‌وران دوره مراقبت به کار گماشته شدند. تفاوت روی کرد اصلاحی با روی کرد اصلاحی - درمانی در این بود که روی کرد اصلاحی به جنبه‌های اخلاقی مجرمان توجه می‌نمود و روی کرد اصلاحی - درمانی بیش‌تر به درمان روان‌شناختی مجرمان تأکید می‌کرد. از دهه ۱۹۶۰ میلادی تحت تأثیر یافته‌های جامعه‌شناختی، «باز اجتماعی کردن»^۱ مجرمان به عنوان هدف اصلی دوره مراقبت معرفی شد و این نهاد به عنوان بهترین وسیله برای باز اجتماعی کردن مجرمان تلقی گردید (۱۶۸ : ۲۵).

عدم تحقق اهداف اصلاحی، اصلاحی- درمانی و بازاجتماعی کردن مجرمان در پی بررسی نتایج مطالعات ارزیابی‌کننده، باعث افول روی‌کردهای مذکور و پیدایش روی‌کرد مدیریت خطر شد. روی‌کرد مدیریت خطر، ترکیبی است از دیدگاه «عدالت استحقاقی»^۲ و این دیدگاه که جامعه باید در مقابل مجرمان خطرناک مورد حفاظت و حمایت قرار گیرد (۱۷۱ : ۲۵). این روی‌کرد، «عدالت آماری یا سنجشی»^۳ نیز نامیده می‌شود. زیرا ویژگی اصلی آن، جانشینی یک ادبیات آماری از محاسبات احتمالی ارتکاب جرم به جای توصیف اخلاقی یا بالینی از مجرم است (۲۶ : ۳). روی‌کرد مدیریت خطر، ایده اصلی پیدایش «ضمانت اجراهای بینابین»^۴ را ایجاد نمود.

امروزه در کنار دوره مراقبت که به‌منزله کيفرهای اجتماع‌محور است، «دوره

1. resocialization

2. just deserts

طبق این دیدگاه نوع و میزان کيفر باید همواره متناسب با طبیعت یا شدت جرم ارتكابی باشد. بدین‌سان می‌توان گفت که این دیدگاه نوعی بازگشت به نظریه کلاسیک در حقوق کيفری محسوب می‌شود. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک.: وایت، راب؛ و هینز، فیونا؛ جرم و جرم‌شناسی؛ ترجمه: سلیمی، علی؛ انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۵، ص ۹۲.

3. actuarial justice

در عدالت آماری، کيفر و بازپروری بزه‌کاران اهمیتی ندارد، بلکه شناسایی و مدیریت گروه‌های پرخطر بزه‌کاران مهم است. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک.: جلالی ورنامخواستی، مصطفی؛ عدالت آماری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع) تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۸.

4. intermediate sanctions

مراقبت فشرده»^۱ به عنوان یکی از ضمانت اجراهای بینابین مطرح گردیده است. این نوع ضمانت اجراها علاوه بر اینکه در بستر اجتماع اجرا می‌شوند دارای خصایص سزادهی و نظارتی میباشند که آنها را به کیفر زندان نزدیک می‌کند. بدین ترتیب، پس از پیدایش جایگزین‌های زندان و کیفرهای اجتماع‌محور نسل سوم از این نوع ضمانت اجراهای کیفری با عنوان «ضمانت اجراهای بینابین» به‌وجود آمده است.

۲. انتخاب‌ها در انگلستان؛ از عمل‌گرایی تا سزادهی

دوره مراقبت در انگلستان، فرایند متفاوتی را نسبت به ایالات متحد پشت‌سر گذاشته است. زیرا انتخاب این ضمانت اجرا، از سوی سیاست‌گذاران کیفری انگلستان، یک گره‌برداری نسبتاً عجولانه از مدل امریکایی آن بوده است. اگرچه اهداف اصلاح و بازپروری در مورد دوره مراقبت در انگلستان نیز مطرح است، اما تصمیمات سیاست‌گذاران کیفری در این خصوص تعیین‌کننده بوده است. تحولات دوره مراقبت در انگلستان را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم نمود. دوره نخست، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۵ میلادی را شامل می‌شود که نوعی «عمل‌گرایی کیفرشناختی»^۲ در عرصه سیاست کیفری انگلستان وجود داشته است. یعنی استفاده عمل‌گرایانه از دوره مراقبت برای کاهش تورم جمعیت کیفری زندان‌ها بیش‌تر مورد توجه بوده است. دوره دوم، از سال ۱۹۸۵ به این سو را شامل می‌شود، که نوعی سزادهی مبتنی بر عدالت استحقاقی به عنوان هدف اصلی دوره مراقبت، حاکم بوده است (۷: ۱۳).

در دوره نخست، سیاست‌گذاران کیفری انگلستان، در مواجهه با تورم جمعیت کیفری زندان‌ها، نهادهایی مانند آزادی مشروط و دوره مراقبت را اعمال می‌نمودند

1. Intensive Supervision Program

دوره مراقبت فشرده شیوه‌ای از دوره مراقبت است که مستلزم سطح بالایی از تماس مجرم با مأموران دوره مراقبت است. هدف این نهاد تحمیل مجازاتی است که از زندان سبک‌تر و از دوره مراقبت ساده، شدیدتر باشد. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک.: آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ نشر گرایش، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۹۱.

2. penological pragmatism

ولی تقریباً هیچ مبنای فلسفی و نظری روشنی برای اعمال آنها نداشتند. در سال ۱۹۸۶، دورهٔ مراقبت از یک جایگزین زندان، تبدیل به یک کیفر اجتماع‌محور مستقل گردید که دارای مبنای عدالت استحقاقی بود. البته در این میان نمی‌توان از تمایلات دست راستی حزب محافظه‌کار در انتخاب رویکرد استحقاقی در دورهٔ مراقبت چشم‌پوشی نمود (۱۳: ۱۳)

با توجه به آنچه بیان شد، نخستین گام در ارزیابی یک سیاست کیفری، شناسایی هدف یا اهداف آن است. به دیگر سخن چگونگی ارزیابی یک سیاست کیفری، تابعی است از هدف یا اهداف آن سیاست کیفری. هرگاه یکی از اهداف دورهٔ مراقبت، اصلاح و بازپروری مجرمان باشد می‌توان از شاخصی مانند میزان تکرار جرم برای ارزیابی آن استفاده نمود. اگر یکی از اهداف دورهٔ مراقبت، صرفه‌جویی اقتصادی و کاهش تورم جمعیت کیفری زندان‌ها باشد می‌توان از شاخصی مانند هزینه-فایده برای ارزیابی آن بهره برد، و در صورتی که تنها هدف اعمال دورهٔ مراقبت، سزادهی محکومان باشد به دشواری می‌توان شاخصی علمی جهت ارزیابی آن یافت، زیرا هدف از اعمال آن در این حالت، اساساً دستیابی به یک نتیجهٔ ملموس و عینی نبوده است که بتوان آن را ارزیابی نمود.

ب. ارزیابی؛ مفهوم‌شناسی و مشکلات

امروزه مطالعات سنجشی، بر اصلاح اهداف و راه‌بردهای کیفری مؤثر اند. زیرا ارزیابی نشان می‌دهد که آیا با توسل به شیوه‌های اجرائی موجود در یک قانون می‌توان به اهداف اولیه دست یافت یا باید شیوه‌های نوینی را ابداع نمود (۹: ۴). افزون بر این، حتی می‌توان اهداف کیفری را نیز اصلاح نمود؛ چه بسا اهدافی که قابلیت تحقق و دستیابی را در عالم خارج نداشته باشند.

۱. مفهوم‌شناسی ارزیابی

ارزیابی عبارت است از فرایند بررسی یک طرح یا سیاست، در یک نقطه زمانی

خاص، جهت برآورد تحقق هدف یا اهداف آن. مفهوم ارزیابی از نظارت متمایز است، زیرا نظارت شامل بررسی مستمر از پیشبرد طرح است، ولی ارزیابی، بررسی در یک نقطه زمانی معین را شامل می‌شود. ارزیابی، قسمتی از یک طرح است، یعنی مرحله‌ای که اقدامات و نتایج، برآورد می‌شوند. به‌منظور ارزیابی یک سیاست کیفی باید ابتدا به تعیین شاخص پرداخت. منظور از شاخص، معیاری است که بتوان با استفاده از آن، میزان تحقق هدف یا اهداف یک سیاست کیفی را برآورد نمود (۱۱ : ۵).

بر این اساس، ارزیابی یک سیاست کیفی، یعنی برآورد تحقق هدف یا اهداف آن در یک نقطه زمانی معین. از این‌رو، تنها پس از خاتمه یافتن اجرای یک سیاست کیفی می‌توان به ارزیابی آن پرداخت. به سخن دیگر، در صورتی که یک سیاست کیفی با همه سازوکارها و شرایط لازم خود، به اجرا در نیامده باشد نمی‌توان به ارزیابی آن پرداخت. در غیر این صورت، عدم اثر بخشی یک سیاست کیفی ممکن است ناشی از عدم اجرای کامل آن بوده باشد.

ارزیابی، یک مفهوم نسبی و متغیر است زیرا غالباً دیدگاه‌های متفاوتی در میان سهام‌داران عدالت کیفی در مورد ارزیابی وجود دارد. زیرا سهام‌داران عدالت کیفی اعم از بزه‌کاران، بزه‌دیدگان، قضات، سیاست‌گذاران و افراد اجتماع، نگرش‌های متفاوتی نسبت به هدف یا اهداف دوره مراقبت دارند. برای نمونه بزه‌کاران، بیش‌تر از اهداف اصلاحی- درمانی جانب‌داری می‌نمایند؛ بزه‌دیدگان اولویت بیش‌تری به ترمیم خسارات ناشی از جرم می‌دهند؛ قضات و افراد اجتماع بر سزادهی بزه‌کاران و محافظت از اجتماع تأکید می‌نمایند و سیاست‌گذاران به صرفه‌جویی اقتصادی و کاهش تورم جمعیت کیفی زندان‌ها می‌اندیشند. از این‌رو، ارزیابی تعلیق مراقبتی می‌تواند با دیدگاه‌های مختلفی انجام پذیرد.

ارزیابی نهاد مذکور از دیدگاه اصلاح و بازپروری بزه‌کاران می‌تواند کارایی یا عدم کارایی نسبی آن سیاست کیفی را تا حدودی مشخص سازد. از آنجا که اجرای دوره مراقبت نسبت به بزه‌کاران مختلف دارای اثرات متفاوتی است، به

وسيلهٔ ارزیابی می‌توان تعیین نمود که اجرای یک دورهٔ مراقبت معین برای نمونه بر روی توزیع‌کنندگان موادمخدر تا چه میزان می‌تواند اثربخش باشد. از این‌رو، سیاست‌گذاران و قضات کیفری می‌توانند برای وضع و تعیین دورهٔ مراقبت در مورد یک دسته از بزه‌کاران، به متغیرهای مختلفی از قبیل سن، جنسیت، سابقهٔ کیفری، نوع جرم ارتكابی و سایر شرایط توجه نمایند و از این طریق در جهت تحقق کارآیی و اثربخشی نسبی این نوع مجازات اجتماع‌محور گام بردارند (۱۶۱: ۱۳).

۲. مشکلات ارزیابی

ارزیابی طرح‌ها و سیاست‌های اجتماعی همواره با مشکلات و دشواری‌هایی روبه‌رو بوده است. سیاست‌های کیفری نیز به عنوان بخشی از سیاست‌های اجتماعی از این امر مستثنا نبوده‌اند. مشکلات مربوط به ارزیابی را می‌توان در دو قسمت مورد بررسی قرار داد. نخست مشکلات و چالش‌های روش‌شناختی، دوم مشکلات مربوط به اجرای مطالعات ارزیابی‌کننده (۱۱: ۴).

مهم‌ترین چالش‌سنجش و مطالعات ارزیابی‌کننده، چالش روش‌شناختی است. دو سؤال اصلی این است که تا چه میزان می‌توان به نتایج مطالعات ارزیابی‌کننده اعتماد کرد؟ آیا ارزیابی در علوم اجتماعی و سیاست‌های کیفری همواره مقرون با واقعیت است؟ مطالعات ارزیابی‌کننده غالباً پیچیده بوده و به نتایج غیرقطعی می‌انجامند. این پیچیدگی و غیرقطعی بودن می‌تواند ناشی از این امر باشد که در مطالعات علوم اجتماعی، متغیرهای بسیاری تأثیرگذار اند. در مطالعات ارزیابی‌کننده نیز پژوهشگر باید به همهٔ ویژگی‌های فردی و اجتماعی یک بزه‌کار توجه نموده و از هیچ‌یک از آنها غفلت ننماید (۱۶۲: ۱۳). و در عین حال از تعمیم یافته‌ها، نسبت به موارد متفاوت پرهیز نماید.

افزون بر این، در مطالعات علوم اجتماعی به لحاظ اینکه موضوع مطالعه، انسان است، نمی‌توان به ترسیم یک رابطهٔ علی- معلولی ثابت امیدوار بود. برای نمونه همواره علت تکرار جرم یک بزه‌کار را نمی‌توان عدم کارآیی برنامه‌های

اصلاحی- درمانی دانست. زیرا تمامی امور انسانی از یک جنبه ذهنی و شخصی برخوردارند که به راحتی قابل دست‌رسی و اندازه‌گیری نیست. با توجه به این محدودیت‌ها و چالش‌ها برخی از مطالعات ارزیابی‌کننده به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توان هیچ تمایز مشخصی میان «گروه آزمایشی» و «گروه کنترل»^۱ ترسیم نمود.

در ادامه مشکلات روش شناسانه می‌توان گفت، شاخص‌سازی در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و سیاست‌های کیفری امری بسیار دشوار است؛ زیرا بسیاری از متغیرها، کیفی‌اند و قابلیت تبدیل به عدد و رقم را ندارند. در مورد مشکلات مربوط به اجرای مطالعات ارزیابی‌کننده، می‌توان به عدم وجود آمار جنائی علمی در برخی نظام‌های قضائی اشاره کرد. یک ارزیابی علمی تنها با وجود آمار جنائی قابل اعتماد در مورد میزان تکرار جرم، تعداد بزه‌دیدگانی که خسارات آنها جبران شده و ارقام مربوط به هزینه‌های اقتصادی نظام عدالت کیفری امکان‌پذیر است. از این‌رو، در یک نظام عدالت کیفری که آمار جنائی علمی و قابل اعتمادی ندارد و یا چنین آمار را در اختیار عموم پژوهشگران قرار نمی‌دهد، نمی‌توان به انجام مطالعات ارزیابی‌کننده علمی امیدوار بود.

ج. معیار اثربخشی؛ شاخص‌ها و چالش‌ها

یکی از مهم‌ترین مسائل در ارزیابی میزان اثربخشی یک سیاست کیفری، تعریف اثربخشی است. زیرا ممکن است مطالعات ارزیابی‌کننده متعددی در زمینه دوره مراقبت صورت گرفته باشد اما به لحاظ اینکه هر کدام، تعریف خاصی در مورد اثربخشی ارائه داده‌اند، نتایج آنها با یکدیگر قابل مقایسه نباشد. به طور کلی،

۱. در تحقیقات جرم‌شناختی که به صورت میدانی انجام می‌گیرد در کنار گروه مجرمانی که مورد آزمایش قرار می‌گیرند (گروه آزمایشی) معمولاً گروه دیگری از افراد که دارای ویژگی‌های مشابهی با گروه آزمایشی هستند، تحت نظارت قرار می‌گیرند تا بدین طریق یافته‌های به دست آمده در مورد گروه آزمایشی با یافته‌های به دست آمده در گروه مذکور مقایسه شده و نتیجه‌گیری دقیقی صورت گیرد. به گروه مذکور اصطلاحاً گروه کنترل گفته می‌شود. برای آگاهی بیشتر تر.ک: نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین؛ و هاشم‌بیک، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷، ص ۵۷.

در مورد اثربخشی مجازات‌ها، نظریات مختلفی وجود دارد که مستقیماً از اهداف مجازات‌ها سرچشمه می‌گیرد. نظریات مذکور را می‌توان به دو دسته پیامدگرا و سزاگرا تقسیم کرد؛ منظور از نظریات پیامدگرا، نظریاتی است که به پیامد اعمال مجازات توجه می‌نمایند؛ از قبیل ارباب و بازدارندگی، اصلاح و درمان، ناتوان‌سازی و جبران خسارات ناشی از جرم. در مقابل، نظریات سزاگرا به پیامد و نتیجه اجرای مجازات توجه نمی‌کنند.^۱

در کنار بحث‌های ناشی از پیامدگرایی و سزاگرایی می‌توان به صرفه‌جویی اقتصادی مجازات‌ها به عنوان معیاری جهت سنجش اثربخشی آنها اشاره نمود و در نهایت می‌توان گفت در سالیان اخیر، رعایت موازین حقوق بشری به یکی از معیارهای اثربخشی مجازات‌ها تبدیل شده است.

اکثر مطالعات ارزیابی‌کننده در مورد دوره مراقبت در ابتدا، بر اصلاح و بازپروری مجرمان متمرکز شدند و شاخص تکرار جرم را برگزیدند. اما به مرور زمان با دستیابی به نتایج چنین مطالعاتی که بر عدم اثربخشی دوره مراقبت در کاهش تکرار جرم دلالت می‌نمودند و نیز با پیدایش جنبش طرفدار عدم کارایی نظام عدالت کیفری، معیار اثربخشی از کاهش تکرار جرم، به معیارهایی مانند صرفه‌جویی اقتصادی و مدیریت خطر تغییر جهت پیدا کرد. همچنین در دهه‌های اخیر، جهت‌گیری نظام کیفری به سوی نظریه سزادهی متمایل گردیده، که دیدگاهی غیر پیامدگراست و نسبت به نتایجی مانند کاهش تکرار جرم، بی‌توجه است (۱۲ : ۱۴).

در مورد موازین حقوق بشری، با وجود «قواعد توکیو»^۲ مصوب سال ۱۹۹۰ میلادی که معیارهایی را در مورد مجرمانی تعیین می‌کند که مشمول مجازات‌هایی غیر از زندان می‌شوند، اکثر مطالعات ارزیابی‌کننده دوره مراقبت به بررسی میزان

۱. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک.: صفاری، علی؛ کیفرشناسی و توجیه کیفر؛ مجموعه مقالات علوم جنائی موادمخدر، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴، همچنین ر.ک.: صفاری، علی؛ توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲، ص ۳۰۴.

۲. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک.: گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ کیفرشناسی نوین؛ انتشارات مجد، چاپ نخست، ۱۳۸۴، ص ۴۵.

رعایت موازین مذکور نپرداخته اند. علت این امر را می‌توان دشواری شاخص‌سازی در خصوص رعایت یا عدم رعایت موازین حقوق بشری دانست.

۱. شاخص‌های اثربخشی

مطالعات ارزیابی‌کننده دوره مراقبت، از میان معیارها و نظریات مختلف در مورد اثربخشی ضمانت‌اجراهای کیفری، بیش‌تر بر سه معیار تأکید کرده‌اند: «اصلاح و درمان»، «صرفه‌جویی اقتصادی» و «جبران خسارات ناشی از جرم». به‌کارگیری هر یک از معیارهای مذکور جهت ارزیابی میزان اثربخشی دوره مراقبت مستلزم شاخص‌سازی در مورد آنها بوده است. برای نمونه، «میزان تکرار جرم» به عنوان شاخص ارزیابی اصلاح و درمان در دوره مراقبت، «هزینه - فایده» به عنوان شاخص ارزیابی میزان صرفه‌جویی اقتصادی این نهاد، و «جبران خسارات» نیز به عنوان شاخص ارزیابی میزان جبران خسارات ناشی از جرم در نهاد مذکور مورد توجه قرار گرفته است.

برای آنکه بتوان تکرار جرم را به عنوان شاخص ارزیابی ضمانت‌اجراهای کیفری مورد استفاده قرار داد، تنها ارائه تعریف نظری از آن کافی نیست بلکه با ارائه تعریفی کاربردی باید تعیین نمود که آیا تکرار جرم، تنها محکومیت مجدد به ارتکاب یک جرم را دربرمی‌گیرد یا شامل محکومیت به نقض دستورهای فنی نیز می‌گردد؛ افزون بر این آیا می‌توان به جای محکومیت مجدد به ارتکاب یک جرم، توقیف یا حبس مجدد را معیار تکرار جرم دانست. (۶۱: ۶)

در مورد شاخص هزینه - فایده می‌توان گفت یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران کیفری، همواره کاهش هزینه‌های روزافزون نهادهای عدالت کیفری و نیز کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها بوده است. امروزه نیز پس از فراز و فرودهایی که در میزان اهمیت اهداف اقتصادی پدید آمده، این هدف از اولویت‌های ارزیابی سیاست‌های کیفری محسوب می‌گردد، زیرا از یک سو شاخص تکرار جرم با چالش‌های جدی مواجه گردیده و از میزان روایی آن کاسته

شده است. از سوی دیگر، نهادهای عدالت کیفری در امریکا و انگلستان از دهه ۱۹۸۰ میلادی در جهت پذیرش فرهنگ مدیریت‌گرایی و تجارت مآبانه حرکت نموده‌اند؛ که تأکید آن بر صرفه‌جویی، کارایی و اثربخشی در استفاده از منابع بوده است. آشکارترین نمونه این روی‌کرد جدید، فرآیند سریع خصوصی‌سازی در نهادهای عدالت کیفری است که نخست در ایالات متحد و سپس در انگلستان اتفاق افتاد (۱۰: ۷۴۷). بدین ترتیب، شاخص هزینه - فایده، با توجه به نگرانی‌های پرداخت‌کنندگان مالیات در خصوص چگونگی مصرف نمودن وجوه مالیاتی، در دهه‌های اخیر از اهمیت بسزایی در ارزیابی سیاست‌های کیفری برخوردار شده است.

پس از طرح مباحث مربوط به لزوم جبران خسارات بزه‌دیدگان در قالب بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یا ثانویه و با تصویب «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار» در سال ۱۹۸۳ میلادی و نیز «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» در سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۵ میلادی^۱، امروزه بزه‌دیده در کنار بزه و بزه‌کار به عنوان ضلع سوم مثلث بزه‌کاری مورد توجه قرار گرفته و بر لزوم جبران خسارات وی تأکید گردیده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت شاخص ترمیم خسارات ناشی از جرم تبدیل به یکی از شاخص‌های میزان اثربخشی ضمانت‌اجراهای کیفری گردیده است. البته، شاخص مذکور تنها شامل جبران خسارات بزه‌دیدگان نمی‌شود بلکه ترمیم زیان‌های وارده بر جامعه را نیز در برمی‌گیرد.

۲. چالش‌های شاخص‌ها

هر یک از شاخص‌های فوق با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. گرچه میزان تکرار جرم در این میان، با چالش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تری مواجه است اما شاخص‌های هزینه - فایده و ترمیم خسارات ناشی از جرم نیز از این امر مستثنا نبوده‌اند.

۱. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک: رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی؛ انتشارات دادگستر، چاپ نخست،

در ارزیابی دوره مراقبت از منظر شاخص تکرار جرم، همواره میزان تکرار بهره‌وران دوره مراقبت با میزان تکرار محکومان به زندان مقایسه می‌گردد و در صورتی که میزان تکرار جرم بهره‌وران دوره مراقبت نسبت به زندانیان پائین‌تر باشد، دوره مراقبت مؤثر قلمداد می‌شود. یکی از چالش‌هایی که فراروی شاخص تکرار جرم قرار می‌گیرد، این است که مقایسه میزان تکرار جرم بهره‌وران دوره مراقبت با زندانیان نمی‌تواند یک ارزیابی علمی و دقیق باشد. زیرا از ابتدا احتمال تکرار جرم بیش‌تری از سوی زندانیان نسبت به بهره‌وران دوره مراقبت وجود دارد و اساساً مجازات زندان برای مجرمانی تعیین می‌شود که از درجه خطرناکی بالاتری برخوردارند. از این‌رو، طبیعی به نظر می‌رسد که زندانیان، بیش‌تر از بهره‌وران دوره مراقبت مرتکب تکرار جرم شوند (۱۶۹: ۱۳).

چالش دیگر مربوط است به زمان آغاز مطالعه تکرار جرم و خاتمه آن. معمولاً زمان آغاز مطالعه تکرار جرم در مورد بهره‌وران دوره مراقبت با محکومان به زندان متفاوت است، به گونه‌ای که زمان مطالعه تکرار جرم در مورد بهره‌وران دوره مراقبت، بلافاصله پس از آغاز دوره مراقبت شروع می‌شود، اما در مورد زندانیان، پس از اتمام دوره حبس آغاز می‌گردد. بدین ترتیب، بهره‌وران دوره مراقبت در طول دوره مجازات خود مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، و از این نظر، امکان کشف نقض دستورهای فنی و جرائم ایشان بیش‌تر از محکومان به زندان است (۱۶۷: ۱۳).

معیار سنجش در به‌کارگیری شاخص هزینه- فایده، برآورد هزینه و فایده است. نخست، هزینه‌های تأسیس و اجرای دوره مراقبت با هزینه‌های تأسیس و اداره زندان مقایسه می‌گردد. سپس باید فایده هر یک از این دو نهاد با یکدیگر مقایسه شود. در مقایسه فایده این دو نهاد با یکدیگر، میزان اثربخشی هر یک از آنها در پیش‌گیری از تکرار جرم ملاک خواهد بود. از این‌رو، ارزیابی دوره مراقبت از دیدگاه هزینه- فایده، به نوعی، بازگشت به بحث تکرار جرم است.

شاخص جبران خسارات نیز با چالش مواجه بوده است. در اکثر مطالعات،

میزان رضایتمندی بزه‌دیدگان از اجرای دورهٔ مراقبت، به عنوان معیار میزان جبران خسارات مورد استفاده قرار گرفته است. حال آنکه ممکن است بسیاری از بزه‌دیدگان اساساً به دنبال ترمیم خسارات خود نباشند بلکه اهدافی از قبیل انتقام‌جویی و سزادهی را دنبال نمایند. همچنین، اندازه‌گیری میزان جبران خسارات غیرمادی بزه‌دیدگان با مشکلاتی روبه‌رو است؛ زیرا این گونه خسارات، دارای جنبه‌های غیرکمی و کیفی اند.

گفتار دوم. تحلیل یافته‌های مطالعات سنجشی

پس از بیان مبانی نظری ارزیابی، اینک می‌توان به ارائهٔ یافته‌های مطالعات ارزیابی‌کننده پرداخت. در اکثر مطالعات ارزیابی‌کننده از سه معیار اصلاح و بازپروری، صرفه‌جویی اقتصادی، و جبران خسارات ناشی از جرم، جهت ارزیابی میزان اثربخشی دورهٔ مراقبت استفاده شده است. معیار اصلاح و بازپروری مجرمان حجم گسترده‌تری از مطالعات را به خود اختصاص می‌دهد. از این‌رو، به لحاظ گستردگی حجم مطالعات ناظر بر اصلاح و بازپروری مجرمان نسبت به دو معیار دیگر و با توجه به تفاوت معیار اصلاحی نسبت به معیارهای غیراصلاحی از نقطه نظر اهداف فلسفی و نظری، می‌توان مطالعات مذکور را در دو قسمت و تحت دو عنوان جداگانه مورد بررسی قرار داد.

الف. مطالعات ناظر بر اصلاح و بازپروری مجرمان (شاخص تکرار جرم)

در این قسمت به بیان یافته‌های مطالعاتی پرداخته می‌شود که دورهٔ مراقبت را از دیدگاه اصلاح و بازپروری مجرمان، و با شاخص تکرار جرم مورد ارزیابی قرار داده اند. با توجه به گستردگی مطالعات موجود در ایالات متحد نسبت به انگلستان و تفاوت دیدگاه‌ها و رویکردهای هر یک از این دو کشور نسبت به اصلاح مجرمان از طریق دورهٔ مراقبت می‌توان به بررسی جداگانه این‌گونه مطالعات در هر یک از این دو کشور پرداخت.

۱. مطالعات موجود در ایالات متحد آمریکا

گرچه تعیین یک معیار کمی برای تشخیص موفقیت یا شکست دوره مراقبت در اصلاح مجرمان کار دشواری است، اما با توجه به تکرار جرم ۶۰ درصدی در مورد زندانیان (۳۱: ۶) که نشانه شکست زندان تلقی شده است شاید بتوان گفت در خصوص دوره مراقبت، تکرار جرم بیش از ۴۰ درصد، نشان‌دهنده شکست نسبی این ضمانت اجرای کیفری است و کمتر از ۲۵ درصد تکرار جرم بیانگر موفقیت نسبی آن است.

۱-۱. مطالعات تأییدکننده اثربخشی نسبی دوره مراقبت

در میان مطالعات انجام شده، تعدادی از مطالعات، تکرار جرم کمتر از ۲۵ درصد را در میان بهره‌وران دوره مراقبت نشان می‌دهند. بارزترین این مطالعات، مطالعه‌ای است که «پیترسیلیا» در مورد مرتکبان جرم‌های جنائی انجام داده است (۳۳۹ - ۳۴۷: ۲۳). وی اطلاعات آماری خود را از طریق «مرکز مطالعه مجرمان نیواورلئان» به دست آورد، که شامل سابقه بازداشت، زندان و دوره مراقبت تعداد ۲۲۴۹۷ نفر، از سال‌های ۱۹۷۴ میلادی تا ۱۹۸۱ میلادی می‌شد.

برای ارزیابی اثربخشی دوره مراقبت، وی آمار بازداشت‌های صورت گرفته برای جرائم برگرلی^۱ و «سرقت مسلحانه»^۲ در سال‌های ۸۱ - ۱۹۷۴ را به دست آورد. البته معیار وی ارتکاب مجدد جرم نبوده بلکه صرفاً بازداشت مجدد را شامل می‌شد.

این مطالعه نشان می‌دهد که تنها ۸ درصد از بازداشت‌های صورت گرفته برای جرائم برگرلی و سرقت مسلحانه مربوط به بهره‌وران دوره مراقبت بوده است. این درصد بسیار پایین بوده و تعجب‌آور است. طبق یافته‌های این مطالعه می‌توان گفت که دوره مراقبت اثربخشی زیادی بر روی بهره‌وران آن داشته است، زیرا بیش از ۹۰ درصد از جرائم مذکور توسط افرادی غیر از بهره‌وران

1. burglary

2. armed Robbery

دورهٔ مراقبت ارتکاب یافته‌اند. البته می‌توان پرسید که چگونه با جمع‌آوری آمار بازداشت مجدد تنها در مورد جرائم برگلری و «سرقت مسلحانه» می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌وران دورهٔ مراقبت، کم‌تر مرتکب تکرار جرم شده‌اند. «ایریش» در سال ۱۹۸۹، مطالعه‌ای را بر روی مرتکبان جرم‌های جنائی انجام داد که معیار تکرار جرم در آن بازداشت مجدد، فرض شد (۳: ۱۷). این تحقیق شامل دوره‌ای پنج ساله از ابتدای دورهٔ مراقبت می‌شد. نتیجهٔ این مطالعه، ۱۲ درصد تکرار جرم بود. در مورد این تحقیق نیز می‌توان گفت که نوع جرائمی که مورد توجه قرار گرفته‌اند، محدود به جرائم خاصی مانند سرقت مسلحانه بوده است.

تحقیق دیگری توسط «کراول» بر روی محکومان به جرائم مالی در سال ۱۹۵۱ میلادی انجام شد (۷: ۱۰۶) که معیار عدم موفقیت، نقض دستورهای فنی فرض شد و مطالعه، دورهٔ میان سال‌های ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۲ میلادی را در برمی‌گرفت. این مطالعه، میزان ۲۳ درصد عدم اثربخشی را نشان می‌دهد. عواملی مانند سن، وضعیت اشتغال و تعداد سوابق کیفری به عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت یا شکست دورهٔ مراقبت ذکر شدند. پژوهشگر در پایان نتیجه گرفت که دورهٔ مراقبت یک روش مؤثر برای درمان اجتماعی مجرمان است.

صرف‌نظر از تعمیم اغراق‌آمیزی که در مورد موفقیت و اثربخشی دورهٔ مراقبت، در این تحقیق صورت گرفته است، قرار دادن محکومیت مجدد به عنوان معیار عدم موفقیت در آن، دایرهٔ مرتکبان تکرار جرم را بسیار محدود نموده است. همچنین میزان پایین تکرار جرم در این مطالعه را می‌توان با توجه به نوع محکومیت اولیه محکومان (که جرائم مالی بوده) توجیه نمود.

تحقیق دیگری در سال ۱۹۷۶ توسط «کوسودا» بر روی محکومان جرائم مالی انجام گرفت، که معیار عدم موفقیت در آن، نقض دستورهای فنی، فرض شد (۱۵: ۱۹). مطالعهٔ مذکور شامل دوره‌ای یک تا دو ساله تا پایان دورهٔ مراقبت

می‌گردید. نتیجه این مطالعه ۱۸/۳ درصد نقض دستورهای فنی را نشان می‌دهد. این مطالعه نیز به این دلیل که تنها، معیار نقض دستورهای فنی را مورد توجه قرار داده است، درخصوص میزان تکرار جرم قابل اعتماد نیست، زیرا بازداشت مجدد و محکومیت مجدد به ارتکاب یک یا چند جرم را در نظر نگرفته است.

۱-۲. مطالعات ردکننده اثربخشی نسبی دوره مراقبت

در مقایسه با مطالعاتی که تکرار جرم کم‌تر از ۲۵ درصد را نشان می‌دهند، مطالعات بسیاری نیز وجود دارد که نمایانگر تکرار جرم بیش‌تر از ۴۰ درصد است. در اینجا به چهار مورد از مطالعات مذکور اشاره می‌گردد؛ که می‌تواند فرضیه اثربخشی نسبی دوره مراقبت را رد نماید.

در سال ۱۹۷۶ میلادی، مطالعه‌ای در مورد دوره مراقبت در ایالات متحد آمریکا انجام شد (۱۰۸ : ۷). در این تحقیق، منظور از تکرارکننده جرم کسی بود که از شرایط دوره مراقبت تخطی کرده یا به علت ارتکاب جرم جدیدی در طی این دوره و یا در زمان انجام این تحقیق، محکوم شده بود. این تحقیق نتیجه گرفت که در مجموع تقریباً ۵۵ درصد از بهره‌وران دوره مراقبت توانسته‌اند مدت زیادی از زمان دوره مراقبت خود را با موفقیت بگذرانند، یعنی، یا جرم جدیدی مرتکب شده و محکومیت یافته‌اند یا شرایط دوره مراقبت را نقض کرده یا از نظارت گریخته‌اند.

به موجب این تحقیق، بیش از نیمی از مشمولان دوره مراقبت در چهار منطقه مرتکب تکرار جرم شده‌اند. بدیهی است این میزان در صورت صحت، بیانگر عدم حمایت کافی از اجتماع در مقابل دسته‌ای از مجرمان است که به رغم آزاد بودن در اجتماع، همچنان مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند. با وجود این، به نظر می‌رسد میزان بالای ارتکاب جرم در بهره‌وران دوره مراقبت، ناشی از این امر باشد که در این تحقیق، همه افرادی که به نحوی از انحاء دستورهای فنی دوره مراقبت را نقض کرده‌اند، تکرارکننده جرم شناخته شده‌اند.

«گیرکن» و «هیز» در سال ۱۹۹۲ میلادی تحقیق دیگری در مورد مرتکبان

جرم‌های جنائی انجام دادند که معيار عدم اثربخشی در آن، بازداشت مجدد بود (۷: ۱۵). اين تحقيق مدت زمان آغاز تا پايان دورهٔ مراقبت را در برمی‌گرفت و در نهايت به کشف ۵۰ درصد عدم اثربخشی انجاميد. در سال ۱۹۹۲ ميلادی «لنگان» و «کانيف» مطالعهٔ ديگری بر روی مرتکبان جرم‌های جنائی انجام دادند که معيار عدم اثربخشی در آن بازداشت مجدد بود (۴: ۲۱). اين تحقيق دوره‌ای سه ساله از ابتدای دورهٔ مراقبت را شامل می‌شد که در نهايت ۴۳ درصد عدم اثربخشی را نشان داد.

در دو مطالعهٔ فوق‌الذکر سه وجه تشابه وجود دارد که می‌تواند علت وجود تکرار جرم بالا در آنها باشد. نخست اينکه در هر دو تحقيق، معيار بازداشت مجدد به عنوان معيار عدم اثربخشی انتخاب شده است. به خوبی روشن است که در مقايسه با معيار محکوميت مجدد، معيار بازداشت مجدد افراد بيش‌تری را در برخواهد گرفت. دوم اينکه زمان آغاز هر دو تحقيق از ابتدای دورهٔ مراقبت بوده است. در حالی که بهره‌وران دورهٔ مراقبت در طول آن، تحت نظارت‌های ویژه هستند و اين خود، احتمال بازداشت مجدد و حتی محکوميت مجدد آنان را افزايش می‌دهد. و سوم اينکه هر دو تحقيق به مطالعه در مورد مرتکبان جرم‌های جنائی پرداخته‌اند که به طور طبیعی از درجهٔ خطرناکی بالاتری نسبت به ساير مجرمان برخوردار اند.

«ايريش» در سال ۱۹۷۲ ميلادی تحقيق ديگری را بر روی محکومان به سرقت و برگروری انجام داد که معيار عدم اثربخشی در آن، بازداشت و محکوميت مجدد بود (۱۱: ۱۸). اين تحقيق دورهٔ پس از اتمام دورهٔ مراقبت تا حداقل چهار سال را در برمی‌گرفت. نتيجهٔ اين مطالعه ۴۱/۵ درصد عدم اثربخشی را نشان داد.

افزون بر اين می‌توان به مطالعه‌ای که در مورد اثربخشی دورهٔ مراقبت فشرده انجام گرفته است، اشاره نمود. «پيترسيليا» در سال ۱۹۹۰ به بررسی نتايج اجرای برنامه‌های مذکور در سه شهر ایالت کاليفرنيا پرداخته است (۲۸۶: ۲).

وی دریافت که بزه‌کارانی که تحت چنین برنامه‌هایی قرار می‌گیرند، بیش از بهره‌وران دورهٔ مراقبت ساده، ممکن است مرتکب تخلف از دستورهای فنی شوند، اما احتمال بازداشت مجدد و محکومیت آنان به زندان، بسیار کم‌تر از گروه دیگر است.

با وجود این، دلیل روشنی برای توجیه تخلف بیش‌تر این گروه، از شرایط نظارت فشرده وجود ندارد. اما به نظر می‌رسد که محدودیت‌های فراوان ناشی از این برنامه‌ها و نظارت افزون‌تر، علت اصلی افزایش تخلف آنهاست.

۲. مطالعات موجود در انگلستان

اهداف اصلاح و بازپروری مجرمان در مورد دورهٔ مراقبت در انگلستان چندان مجال ظهور و بروز پیدا نکرد. گرچه چنین دیدگاه‌هایی در مورد دورهٔ مراقبت مطرح شده‌اند، اما رویکرد رسمی از سوی سیاست‌گذاران کیفری این کشور، بیش‌تر مبتنی بر استفاده عمل‌گرایانه از دورهٔ مراقبت جهت کاهش تورم جمعیت کیفری زندان‌ها و یا تحقق عدالت استحقاقی بوده است. از این‌رو، عدم توجه کافی به اهداف اصلاح و بازپروری مجرمان از طریق دورهٔ مراقبت و عدم تهیه سازوکارهای لازم برای تحقق چنین اهدافی، منجر به کاهش میزان اثربخشی نهاد مذکور از دیدگاه اصلاح و بازپروری شده است.

گرچه تحقیقات وزارت کشور در مورد محکومان دورهٔ مراقبت نشان می‌دهد که این مجازات با ۱۱ درصد تکرار جرم، وضعیت بهتری نسبت به زندان دارد، ولی در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۷ میلادی انجام شد، این نتیجه به دست آمد که ۶۰ درصد از محکومانی که دورهٔ مراقبت ایشان از سال ۱۹۹۳ میلادی آغاز شده است، مرتکب تکرار جرم شده‌اند. البته دورهٔ مراقبت فشرده، آمار وخیم‌تری را به خود اختصاص داده است، زیرا طی دو سال پس از اعمال مجازات، محکومان دورهٔ مراقبت فشرده، ۷۴ درصد تکرار جرم را ثبت نموده‌اند (۱۷۵ : ۱۳).

طرفداران کارآیی زندان، آمار مذکور در سال ۱۹۹۳ میلادی را با آمار محکومان

زندان که دارای ۵۲ درصد تکرار جرم بوده‌اند، مقایسه می‌نمایند و دولت محافظه‌کار در سال ۱۹۹۷ نتیجه گرفته است که هیچ تفاوت محسوسی میان تکرار جرم در محکومان زندان و محکومان دورهٔ مراقبت وجود ندارد (۱۷۷ : ۱۳).

بر این اساس، منتقدان دورهٔ مراقبت در انگلستان استدلال می‌نمایند که چون محکومان دورهٔ مراقبت اصولاً از میان مجرمان کم خطر انتخاب می‌شوند، نباید تکرار جرم آنان به اندازهٔ محکومان زندان باشد. در مقابل استدلال می‌شود که محکومان دورهٔ مراقبت معمولاً در تکرار جرم، مرتکب جرائم سبکی نظیر سرقت از فروشگاه می‌شوند که قابل مقایسه با نوع تکرار جرم در میان محکومان زندان نیست. همچنین، محکومان دورهٔ مراقبت به دلیل حضور در اجتماع، امکان بیش‌تری دارد مرتکب تکرار جرم می‌شوند.

۳. مطالعهٔ فراتحلیلی

پس از ارائهٔ یافته‌های مطالعات ناظر بر اصلاح و بازپروری مجرمان اینک می‌توان به «مطالعه فراتحلیلی» آنها پرداخت. در این مورد می‌توان به تعارض و عدم هماهنگی نتایج مطالعات موجود اشاره کرد. برای نمونه در ایالات متحد، نتایج وسیعی وجود دارد که شامل ۸ درصد تا ۵۵ درصد تکرار جرم می‌گردد. شاید بتوان علت این عدم هماهنگی را در موارد ذیل جست‌وجو کرد.

نخست، پژوهشگران در زمینه شاخص‌سازی تکرار جرم از یک معیار واحد استفاده نکرده‌اند. عده‌ای، بازداشت مجدد، و برخی، محکومیت مجدد و تعدادی نیز حبس مجدد را به عنوان تعریف کاربردی تکرار جرم برگزیده‌اند. حتی برخی از محققان نقض دستورهای فنی را نیز مترادف تکرار جرم دانسته‌اند و گاه عده‌ای از ایشان محکومیت مجدد را در کنار بازداشت مجدد به عنوان شاخص ارزیابی ملاک عمل قرار داده‌اند.

دوم، مطالعات موجود هر یک به دورهٔ زمانی خاصی پرداخته‌اند. حتی

پژوهشگران در این مورد که آیا می‌توان در طول اجرای دورهٔ مراقبت به ارزیابی پرداخت به طور یکسانی عمل نکرده‌اند. افزون بر این، پژوهشگرانی که به دورهٔ بعد از اتمام دورهٔ مراقبت پرداخته‌اند نیز در طول مدت مطالعه با یکدیگر تفاوت دارند.

سوم، مطالعات مذکور از نظر روش‌شناسی از دو جهت با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. اولاً، گروه آزمایشی در هر مطالعه شامل مجرمانی با ویژگی‌های منحصر به فرد بوده است. ثانیاً، روش دستیابی به آمار و جمع‌آوری اطلاعات در هر مطالعه‌ای با مطالعهٔ دیگر متفاوت بوده است.

افزون بر این، می‌توان تأکید کرد که تأثیر برنامه‌های دورهٔ مراقبت در کاهش تکرار جرم مجرمان، تنها به کیفیت طراحی این برنامه‌ها وابسته نیست، بلکه این نکته در تحقیقات دیگر و از جمله در تحقیق جداگانه‌ای در استرالیا به اثبات رسیده است که آن دسته مأموران دورهٔ مراقبتی که از آموزش‌های ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند، به دلیل استفاده از این آموزش‌ها در اجرای دورهٔ مراقبت، از جهت کاهش تکرار جرم، موفقیت بیشتری را به دست آورده‌اند (۲۸۷ : ۶).

علاوه بر منابع انسانی متخصص، چگونگی‌گزینش مجرمان می‌تواند در این خصوص تأثیرگذار باشد. گرچه انتخاب مجرم برای ورود به یک برنامهٔ دورهٔ مراقبت غالباً، مبتنی بر متغیرهای قانونی مانند شدت جرم ارتكابی، سوءنیت یا پیشینه کیفری وی است؛ ولی محور اصلی انتخاب مجرم باید توجه به آسیب‌شناسی روانی و خصوصیات شخصیتی او باشد (۱۶ : ۹). در همین راستا می‌توان معیارهایی جهت تشخیص درجهٔ خطرناکی مجرمان تدوین و جهت اجرا به مقامات قضائی ابلاغ نمود.

در نهایت، گرچه به کارگیری تکرار جرم به عنوان شاخصی جهت ارزیابی میزان اثربخشی دورهٔ مراقبت با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده است، اما مطابق مطالعات انجام شده، اثر بخشی یک دورهٔ مراقبت با دستورهای فنی معین، در مورد مجرمان مختلف برحسب نوع جرم ارتكابی، سن، جنسیت و سابقهٔ کیفری

آنها، متفاوت خواهد بود. برای نمونه، اعمال دورهٔ مراقبت در مورد مرتکبان جرائم مالی و قاچاق دارای اثربخشی بیش‌تری نسبت به مرتکبان جرم‌های جنائی بوده است. بدین ترتیب در صورت تهیه و آماده‌سازی تمامی سازوکارهای اجرائی لازم، از قبیل نیروی انسانی متخصص، دورهٔ مراقبت می‌تواند دارای اثربخشی نسبی باشد؛ یعنی تنها نسبت به برخی از مجرمان با توجه به ویژگی‌های شخصیتی آنها اثربخش خواهد بود.

ب. مطالعات ناظر بر اهداف غیراصلاحی (شاخص‌های هزینه - فایده و ترمیم خسارات)

چالش‌ها و نارسایی‌های شاخص تکرار جرم در ارزیابی دورهٔ مراقبت، باعث کاهش میزان روایی و کاهش اعتماد پژوهشگران نسبت به آن گردید. وانگهی، صرف‌نظر از وجود چنین چالش‌هایی، به‌کارگیری شاخص تکرار جرم، بی‌تأثیری دورهٔ مراقبت از منظر اصلاح و بازپروری را در بسیاری از موارد آشکار ساخت. از این‌رو، چه پژوهشگرانی که شاخص تکرار جرم را قابل اعتماد می‌دانستند و چه آنان که نسبت به آن بی‌اعتماد بودند، درصدد ابداع و به‌کارگیری شاخص‌های دیگری جهت ارزیابی دورهٔ مراقبت برآمدند. بدین ترتیب، شاخص‌های هزینه - فایده و ترمیم خسارات مورد توجه قرار گرفت.

۱. مطالعات ارزیابی با نگرش هزینه- فایده

در مورد به‌کارگیری شاخص هزینه- فایده، برآورد هزینه‌ها و فایده‌های زندان در مقایسه با دورهٔ مراقبت، کار ساده‌ای نیست. درخصوص هزینه‌ها، فرض بر این است که دورهٔ مراقبت، هزینه کم‌تری را متوجه عدالت کیفری می‌نماید؛ معمولاً گفته می‌شود که هزینه یک بهره‌ور دورهٔ مراقبت در سال، حدود یک هزار و پانصد دلار است. در مقابل، هر زندانی در سال، هزینه‌ای بالغ بر پانزده هزار دلار بر عدالت کیفری تحمیل می‌نماید. اما این هزینه‌ها، هزینه‌های فرعی زندان و

دورهٔ مراقبت را مورد غفلت قرار داده و تفاوت واقعی میان هزینه‌های زندان و دورهٔ مراقبت را منعکس نمی‌نماید (۶۵ : ۲۲).

براساس یک مطالعه، هزینهٔ هر تخت زندان در زندان‌های ایالتی امریکا در سال ۱۹۹۳ میلادی به طور متوسط ۵۴۲۰۹ دلار بوده است. هزینه هر تخت زندان در کم‌ترین سطح آن، ۲۴۰۲ دلار در مراکز حبس فلوریدا بوده و حداکثر آن در مرکز حبس کانکتیکات، ۱۷۱۱۰۰ دلار بوده است. این در حالی است که هزینهٔ دورهٔ مراقبت در سال ۱۹۹۳ میلادی به طور متوسط ۱۲۱۱۷ دلار بوده است (۱۰۳ : ۷).

«پیترسیلیا» مطالعهٔ دیگری بر روی تعداد ۲۲۴۹۷ نفر از محکومان به جرائم «برگری» و «سرقت مسلحانه» از سال ۱۹۷۴ میلادی تا ۱۹۸۱ انجام داد (۸۸ : ۲۳) که صرف‌نظر از نتایج به دست آمده در مورد تکرار جرم، نتایج ذیل در مورد هزینه‌ها به دست آمد. او دریافت که هزینه گروه نمونه محکومان به دورهٔ مراقبت در کالیفرنیا، بالغ بر ۱۲۰۰۰ دلار در دورهٔ سه ساله محکومیت آنهاست، اما هزینهٔ گروه نمونهٔ محکومان به زندان در این ایالت بالغ بر ۳۳۰۰۰ دلار در دورهٔ سه ساله محکومیت آنهاست.

بدین ترتیب، شاید بتوان گفت که هزینه صدور و اجرای حکم دورهٔ مراقبت تقریباً یک سوم هزینه‌ای است که نظام عدالت کیفری باید جهت صدور و اجرای احکام زندان متحمل گردد. با وجود این، در مطالعهٔ مذکور، هزینه‌های جانبی ناشی از تکرار جرم مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

در مقایسه با دورهٔ مراقبت ساده، دورهٔ مراقبت فشرده، مستلزم هزینهٔ بیش‌تری است. زیرا همان‌گونه که در این تحقیق آمده است، در میان ۱۲ برنامه دورهٔ مراقبت، برنامه‌های دورهٔ مراقبت فشرده با هزینهٔ سالانه ۷۲۰۰ دلار در مقایسه با هزینه سالانه دورهٔ مراقبت ساده که ۴۷۰۰ دلار می‌باشد، میزان بالاتری را نشان می‌دهد. در برنامه زندان‌زدایی از زندان اورگان، برنامه‌های دورهٔ مراقبت فشرده تقریباً هزینه‌های معادل ۷۵ درصد هزینه زندان را در پی داشته‌اند. همچنین،

نیمی از محکومان به دورهٔ مراقبت فشرده، مرتکب تکرار جرم شده و دوباره راهی زندان شده‌اند (۴۷ : ۲۶). بنا بر این می‌توان نتیجه گرفت که دورهٔ مراقبت فشرده از لحاظ شاخص هزینه-فایده تقریباً برتری فاحشی نسبت به زندان نداشته است.

در نهایت در مورد ارزیابی دورهٔ مراقبت با نگرش هزینه-فایده می‌توان گفت که به طور کلی، تأسیس و اجرای دورهٔ مراقبت هزینه‌های کم‌تری را متوجه عدالت کیفری می‌نماید. با وجود این، اجرای دورهٔ مراقبت فشرده در مورد مجرمان خطرناک مستلزم هزینه‌ای تقریباً معادل هزینهٔ مربوط به زندان بوده است.

۲. مطالعات ارزیابی با نگرش جبران خسارات ناشی از جرم

یکی از مطالعاتی که در این زمینه انجام گرفته است، تحقیقی است که توسط «مایکل هیو» و «جولیان رابرتز» در سال ۱۹۹۶ میلادی برای وزارت کشور انگلستان انجام شده است (۴۰ : ۱۶). این مطالعه به بررسی میزان رضایت-مندی بزه‌دیدگان از اعمال مجازات‌های گوناگون می‌پردازد. جرائم مورد بررسی عبارت‌اند: از برگیری و سرقت اتومبیل.

نتایج به دست آمده حاکی از این است که از میان بزه‌دیدگان برگیری، ۴۴ درصد نسبت به اعمال مجازات زندان ابراز رضایتمندی نموده، ۲۰ درصد با اعمال مجازات کار عام‌المنفعه موافقت نموده‌اند، ۷ درصد از اعمال دورهٔ مراقبت ابراز رضایتمندی کرده‌اند، ۶ درصد تقاضای پرداخت غرامت نموده‌اند و ۶ درصد با اخطاردادن به مجرم موافق بوده‌اند.

همچنین، تحقیق مذکور به بزه‌دیدگان سرقت اتومبیل نیز پرداخته است که از میان آنها ۴۵ درصد نسبت به اعمال مجازات زندان ابراز رضایتمندی کرده‌اند، ۱۶ درصد تقاضای پرداخت غرامت نموده‌اند، ۱۵ درصد با اخذ جریمه نقدی موافق بوده‌اند، ۱۱ درصد با اعمال مجازات کارعام‌المنفعه موافقت نموده‌اند، ۷ درصد خواستار اعمال دورهٔ مراقبت بوده‌اند و ۴ درصد با دادن اخطار به مجرم

موافق بوده اند.

بدین‌سان، می‌توان گفت که بزه‌دیدگان برگروری و سرقت اتومبیل تمایل چندانی به اعمال دورهٔ مراقبت ندارند. به نظر می‌رسد بزه‌دیدگان مذکور نسبت به این امر بی‌اعتنا بوده‌اند که در صورت حضور مجرم در جامعه، امکان انجام فعالیت اقتصادی از سوی وی و جبران خسارات ایشان بیش‌تر خواهد بود.

«دیوید کارپ» در سال ۲۰۰۲ میلادی مطالعه‌ای را در مورد جبران خسارات بزه‌دیدگان در دورهٔ مراقبت انجام داد. (۲۰: ۱۵) در این تحقیق، برآورد خسارات مادی و روانی بزه‌دیدگان و چگونگی تعامل آنها با دورهٔ مراقبت مورد توجه بوده است. نخستین دغدغه و نگرانی بزه‌دیدگان، سرعت در رسیدگی و جبران خسارات بوده است. برای نمونه اگر قرار است مجرم اقدام به عذرخواهی نماید، این معذرت‌خواهی باید بدون تأخیر و در اسرع وقت صورت گیرد.

بر اساس این تحقیق، نگرانی بعدی بزه‌دیدگان، پذیرش مسؤولیت جرم از سوی مجرم است. تقریباً ۶۰ درصد از بزه‌دیدگان کاملاً از پذیرش تقصیر از سوی مجرم راضی بوده‌اند. دغدغه بعدی بزه‌دیدگان، دریافت پیام عذرخواهی یا پوزش حضوری از سوی مجرم بوده است. آخرین نگرانی بزه‌دیدگان، جبران خسارات مادی از قبیل اموال مسروقه و تخریب شده بوده است. در پرونده‌هایی که دستور جبران خسارت مادی صادر شده، تنها در ۲۸ درصد از موارد هیچ جبران خسارتی صورت نگرفته و در ۶۱ درصد از موارد، مجرم به طور کامل خسارت‌های مادی را جبران نموده‌اند و در ۱۱ درصد پرونده‌ها، جبران خسارت به صورت نسبی انجام گرفته است.

در مجموع می‌توان گفت ۷۲ درصد از بزه‌دیدگان از نتایج دورهٔ مراقبت درخصوص ترمیم خسارات مادی خود اظهار رضایت کرده‌اند و ۲۰ درصد کاملاً ناراضی بوده‌اند. بدین ترتیب، دورهٔ مراقبت به دلیل قابلیت‌هایی که در اعطای فرصت به مجرم در جهت ترمیم خسارات بزه‌دیدگان دارد، از سوی بزه‌دیدگان مورد استقبال قرار گرفته است.

در مورد میزان جبران خسارات جامعه از طریق اعمال دورهٔ مراقبت، تحقیق «دیوید کارپ» حاوی نکات مفیدی است. به موجب این تحقیق، ۶۵ درصد از محکومان دورهٔ مراقبت، کار عام‌المنفعه را به عنوان بخشی از شرایط دورهٔ مراقبت پذیرفته‌اند. از میان این تعداد، حدود ۹۱ درصد، دورهٔ کار عام‌المنفعه را به طور کامل انجام داده‌اند. افزون بر این در برخی از احکام دورهٔ مراقبت شرطی وجود داشته که براساس آن، محکومان باید مبالغی را جهت انجام امور خیریه اهداء می‌نمودند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، دورهٔ مراقبت به این دلیل که مجرم را از بستر اجتماع جدا نمی‌کند، فرصت‌های بیش‌تری را در مقایسه با زندان، در اختیار مجرم قرار می‌دهد تا بدین‌وسیله خسارات وارد بر جامعه را ترمیم نماید.

نتیجه‌گیری

سنجش علمی سیاست‌های کیفری و از جمله دورهٔ مراقبت یک ضرورت است. زیرا ارزیابی نه‌تنها توانایی‌ها و نارسایی‌های یک نهاد کیفری را در مرحلهٔ اجرا، ترسیم می‌نماید، بلکه حتی می‌تواند در اصلاح اهداف آن نیز مؤثر باشد. امروزه به رغم چالش‌های موجود در مورد تکرار جرم، این شاخص، همچنان از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی کیفرهای اجتماع‌محور و از جمله دورهٔ مراقبت محسوب می‌گردد.

با به‌کارگیری شاخص تکرار جرم در مورد دورهٔ مراقبت می‌توان گفت، استفاده از هر نوع دورهٔ مراقبت در مورد هر مجرمی نمی‌تواند دارای اثربخشی باشد، بلکه در این زمینه باید به عواملی نظیر شدت جرم ارتكابی، سن، جنسیت، شخصیت و پیشینه کیفری مجرم توجه نمود و در صورتی که مجرم از درجه خطرناکی بالایی برخوردار باشد، باید از دورهٔ مراقبت فشرده استفاده نمود.

نتایج مطالعات سنجشی با نگرش هزینه - فایده نشان می‌دهد که دورهٔ مراقبت نسبت به زندان، هزینه‌های کم‌تری را متوجه دولت می‌سازد. البته در دورهٔ

مراقبت فشرده، هزینه تأسیس و اجرا، تقریباً نزدیک به زندان است. با وجود این، چون دوره مراقبت فشرده مجازات مستقلی است و اهداف خاصی را دنبال می‌نماید، از این‌رو، سیاست‌گذاران کیفری پذیرفته‌اند که هزینه‌های متناسبی را صرف نمایند.

مطالعات ارزیابی جبران خسارات، حاکی از این است که دوره مراقبت به دلیل اینکه مجرم را از اجتماع جدا نمی‌کند، فرصت جبران خسارات بزه‌دیدگان و ترمیم زیان‌های وارده به جامعه را در اختیار وی قرار می‌دهد.

اما در «لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان» در ایران، تعیین کیفرهای اجتماع‌محور خصیصه‌های جرم‌محور دارند. یعنی نوع جرم ارتكابی در این خصوص عامل اصلی محسوب می‌شود. حال آن‌که اثربخشی کیفرهای اجتماع‌محور نسبت به مجرمان بر حسب شخصیت و پیشینه کیفری آنها متفاوت است. بدین ترتیب، می‌توان به شخصیت و پیشینه کیفری مجرمان جهت تعیین انواع کیفرهای اجتماعی توجه بیش‌تری مبذول داشت. بدیهی است که توجه نمودن به متغیرهای مذکور مستلزم تمهید ابزارهای متناسبی مانند الزام به تنظیم پرونده شخصیت است.

افزون بر این، در لایحه مذکور به ضمانت اجراهای بینابین مانند دوره مراقبت فشرده اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که برخی از مجرمان به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی نیازمند اعمال ضمانت‌اجراهایی هستند که از نظر شدت پایین‌تر از زندان و بالاتر از دوره مراقبت ساده قرار می‌گیرند.

سخن آخر اینکه، تعیین هدف یا اهداف کیفرهای اجتماع‌محور، ارزیابی علمی و مستمر آنها، توجه نمودن به نقاط ضعف و قوت آنها و تمهید ابزارها و زمینه‌های مناسب جهت افزایش میزان اثربخشی آنها، در ایران از جمله نکاتی است که می‌تواند در مراحل مختلف سیاست جنائی تقنینی، قضائی و اجرائی مورد توجه قرار گیرد.

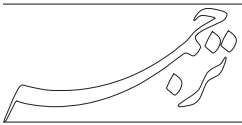
فهرست منابع

۱. آشوری، محمد؛ جایگزینهای زندان یا مجازات‌های بینابین؛ انتشارات گرایش، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲. پرادل، ژان؛ تاریخ اندیشه‌های کيفری؛ ترجمه: نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین؛ انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۱.
۳. جلالی ورنامخواستی، مصطفی؛ عدالت آماری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع) سال ۱۳۸۵.
۴. طبرسا، غلامرضا؛ ارزیابی عملکرد سازمانهای دولتی؛ مجموعه مقاله‌های همایش «ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرائی کشور»، کمیسیون ارزیابی عملکرد، ۱۳۷۸.
۵. عباچی، مریم؛ و ساعد، محمدجعفر؛ ادبیات ارزیابی پیشگیری از جرم؛ کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم، مرکز مطالعات توسعه قضایی، ۱۳۸۴.
۶. غلامی، حسین؛ تکرار جرم؛ انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۲.
۷. غلامی، حسین؛ ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کيفری، تعليق مراقبتی و آزادی مشروط؛ مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵، پائیز و زمستان ۱۳۸۰.
۸. کمیسیون سیاست جنائی مرکز مطالعات توسعه قضایی، طرح توجیهی لایحه مجازات‌های اجتماعی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، ۱۳۸۴.
۹. کواشی‌هامایی و همکاران؛ تعليق مراقبتی در دنیا؛ ترجمه: آقایی‌نیا، حسین؛ نشر میزان، چاپ نخست، ۱۳۷۶.
۱۰. گارلند، دیوید؛ پاسخهای انطباقی مدرنیسم کيفری؛ ترجمه: فرجیها، محمد؛ مجموعه مقالات علوم جنائی (نکوداشت نامه استاد آشوری)، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۱۱. ماری، فیلیپ؛ کيفر و مدیریت خطرها، به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا؛ ترجمه: کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن؛ مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
۱۲. نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین؛ مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان؛ راه‌کاری برای کاهش جمعیت زندان؛ مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کيفری زندان، چاپ نخست، نشر میزان، ۱۳۸۶.
13. Brownlee, Ian; **Community Punishment**; Longman, 1998;
14. Duff, R. A, Garland, D; **A Reader on Punishment**; Oxford University Press, 1994.
15. Gerken, Hayes; **The New Orleans Offender Study**; Washington D.C, 1992.
16. Hough, Michael; Roberts, Julion; **Attitudes to Punishment**; A Research and Statistics Direction Reper, 1996.
17. Irish, James; **Probation and Recidivism**; Nassau County Probation Department, Mineola, NewYork, 1989.
18. Irish, James; **Probation and its Effects on Recidivism**; Mineola, NewYork, 1972.
19. Kusuda, Paul; **Probation and Parole Termination**; Division of Corrections, Madison, Wisconsin, 1976.
20. Karp, David; **Vermont Reparative Probation**; Outcome Evaluation Final Report, University of Washington, 2002.
21. Langan, Cunnif; **Recidivism of Felons on Probation**; Washington D.C.U.S Department of Justice, 1992.

22. Petersilia, Joan; **Community Corrections**; Oxford University Press, 1998.
23. Petersilia, Joan; **Community Supervision**; Crime and Delinquency vol 131, 1985.
24. Raynor, Peter; Vanstone, Maurice; **Understanding Community Penalties**; Open University Press, Philadelphia, 2002.
25. Todd, R. Clear; Cole, George, F; **American Corrections**; Wads Worth Publishing Company, 2000.
26. Todd, R. Clear; **The Offender in the Community**; Crime, Law, and Change, vol 28, 1998.

کتاب‌شناسی

۱. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزهدیده‌شناسی حمایتی؛ نشر دادگستر، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۲. صفاری، علی؛ توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات؛ مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲.
۳. صفاری، علی؛ کیفرشناسی و توجیه کیفر؛ مجموعه مقالات علوم جنائی، مواد مخدر، چاپ نخست، ۱۳۸۴.
۴. گودرزی بروجردی، محمدرضا؛ کیفرشناسی نوین؛ انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵. نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین؛ و هاشم‌بیک، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۷۷.
۶. وایت، راب؛ و هینز، فیونا؛ جرم و جرم‌شناسی؛ ترجمه: سلیمی، علی؛ انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.



ارزیابی برنامه نظارت فشرده برای بزه‌کاران مواد مخدر در تعلیق

■ مراقبتی و آزادی مشروط

■ کیفی‌های اجتماع‌محور در ایالات متحد آمریکا
